

توران میرهادی ۸۸ ساله شد



• توران میرهادی مدتی است در خانه به‌سر می‌برد. وضعیت جسمانی او باعث شده کارهایش را واگذار کند. این نویسنده و چهره شناخته‌شده ادبیات کودکان در آستانه تولد

۸۸ سالگی‌اش گرفتار بیماری است. به گزارش ایسنا، گفت‌وگو‌ی او تنها به چند جمله کوتاه خلاصه شد: «حالم مساعد نیست، مدتی است در خانه هستم. همه کارها را واگذار کرده‌ام. با پندار (دخترم) صحبت کنید». پندار خمارلو نیز صحبت‌کردن با توران میرهادی را جایز ندانست و جلوگیری از استرس را دلیل این موضوع ذکر کرد. ۲۶ خرداد سالروز تولد میرهادی است. او ۱۵ فردین‌ماه به دلیل مشکلات قلبی و ریوی به مدت یک هفته در بیمارستان بستری شد و از همان زمان به قول خودش همه کارهایش را واگذار کرده است. او دانش‌آموخته دانشگاه سوربن فرانسه است و عضویت در هیأت مؤسسان شورای کتاب کودک، تأسیس «فرهنگنامه کودکان و نوجوانان» و بنیان‌گذاری و مدیریت مدرسه فرهاد بخشی از فعالیت‌هایش بوده. میرهادی در سال ۱۳۲۵ شمسی به فرانسه رفت و در رشته روان‌شناسی تربیتی در «سوربن» و هم‌زمان در رشته آموزش پیش از دبستان و ابتدایی در کالج «سوئنه» پاریس درس خواند. او به نام برادر ازدست‌فاتش، کودکان فرهاد و بعدها، دیستان و راهنمایی فرهاد را بنیاد نهاد. کتاب «جست‌وجو در راه‌ها و روش‌های تربیت» گردآمده‌ای از تجربه‌های او در درازای ۲۵ سال سرپرستی مدرسه فرهاد است. میرهادی در کلاس‌های تربیت مربی کودک در شهرهای مشهد، تبریز، رشت و تهران درس می‌داد و با «اداره مطالعات و برنامه‌های وزارت آموزش‌وپرورش» و «سازمان کتاب‌های درسی» در زمینه آزمایش کتاب‌های درسی نو در مدرسه فرهاد و تدوین کتاب‌های درسی و برنامه‌ریزی درسی دوره ابتدایی همکاری داشت. با یاری مجله «سپیده فردا» و با شرکت فعال توران میرهادی، سه نمایشگاه از کتاب‌های کودکان در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۳۷ و ۱۳۳۹ برگزار شد. در پی برگزاری این نمایشگاه‌ها، شورای کتاب کودک با تلاش توران میرهادی و همفکران او، برای گسترش و پیشبرد هرچه‌بیشتر ادبیات کودکان در سال ۱۳۴۱ تأسیس شد.

آنسامیل آدیوس با هنرنمایی ۲ موزیسین ایتالیایی

• شرق: آنسامیل آدیوس، با هنرنمایی دو موزیسین ایتالیایی، «انزو فاواتا» و «مارچلو پکین» ۲۸ و ۲۹ خرداد، ساعت ۲۱:۳۰ به مدت ۸۰ دقیقه در تالار ایوان شمس روی صحنه می‌رود. انزو فاواتا یکی از فعال‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نوازندگان جاز ایتالیا به‌شمار می‌رود. او نوازنده‌ای نوگرا بوده و در مسیر کنودگاو موسیقایی‌اش همواره با فرهنگ‌های مختلف موسیقی و تلفیق موسیقی سنتی و مدرن مواجه بوده است. او ساکسیفون‌نور و سوپرانو، کلارینت باس و سازهای بادی قومی به‌ویژه ساردینیایی را می‌نوازد و از موسیقی الکترونیک ماهرانه در اجراهای خود استفاده می‌کند. وی به لطف این پیشینه و تأثیراتی که برای مثال از موسیقی آمریکای لاتین پذیرفته، به زبان و سبکی منحصر‌بفرد دست یافته است. تاکنون نزدیک به ۲۰ آلبوم از او انتشار یافته. مارچلو پکین، آهنگ‌ساز، تنظیم‌کننده و نوازنده گیتار کلاسیک، گیتار الکتریک و موسیقی الکترونیک است. از سال ۱۹۸۸ با انزو فاواتا همکاری داشته و در خلق بسیاری از آثار موسیقایی او سهیم بوده است. او به‌خاطر آثار مدرنش به‌همراه انزو فاواتا و اجراهای ریتوروار کلاسیک و تسلطش در نوازندگی گیتار ۱۰ سیم شناخته‌شده است. گروه آدیوس از جمله گروه‌های فعال در زمینه موسیقی جاز در ایران است. گفتنی است علاقه‌مندان برای تهیه بلیت این آنسامیل می‌توانند به سایت تیوال مراجعه کنند.

شرق: پرواز همای بار دیگر مجوز گرفت. یک هفته پس از لغو کنسرت این خواننده، او از دریافت مجدد مجوز برای برگزاری کنسرتش خبر داد. پرواز همای در چند هفته گذشته خبرساز شد. در ابتدای خرداد خبر برگزاری کنسرتی از این خواننده که هشت سال بی‌د اجرایی نداشت، منتشر شد و به‌دنبال آن بلیت‌فروشی کنسرت نیز انجام شد و قرار بود او ۲۰ خرداد روی صحنه برود. بااین‌حال تنها چند ساعت مانده به آغاز کنسرت، این برنامه بنا به دستور «مقام قضائی» لغو شد و شرکتی که اقدام به بلیت‌فروشی کنسرت کرده بود، اعلام کرد مبالغ بلیت خریداران تا هفت روز کاری به حساب آنها عودت خواهد شد. علی مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد یک روز بعد از لغو کنسرت در جمع خبرنگاران گفت: «مجوزهای لازم برای کنسرت همای در تهران صادر و هماهنگی‌ها انجام شده بود، اما دادگاه فرهنگ و رسانه نامه‌ای برای ما فرستاد که برمبنای آن، این اجرا لغو شد». لغو کنسرت پرواز همای در روزهایی صورت گرفت که موسیقی‌بار دیگر با لغو کنسرت‌ها و صادرنشدن مجوز برای دو گروه خارجی روبه‌رو شده بود. حسین نوش‌آبادی، سخنگوی وزارت ارشاد، آن زمان در این باره به «شرق» گفته بود: «پیشنهاد به‌عنوان مقام حقوقی این است که اختیارات هر نهاد شفاف و مشخص شود و همه به نظرات و تصمیمات یکدیگر احترام بگذارند و مسائل را در قالب یک تفاهم‌نامه الزامی کنند تا رعایت شود. چون وقتی مقام قضائی، دستور قضائی صادر می‌کند، ما نمی‌توانیم مقابل آن بایستیم. به‌همین دلیل رؤسای دو قوه‌مجریه و قضائیه باید به تفاهم برسند و در این مورد باید تصمیم بگیرند و نتایج هم در قالب آیین‌نامه توسط همکار قابل اجرا شود». بااین‌حال یک هفته پس از این جریان، همای به «شرق» خبر داد که مجوز برگزاری

لیلا حاتمی در نمایش لیلی رشیدی روی صحنه می‌رود

دیدار با لیلا، ساعت ۱۱

بهناز شیربانی: لیلا حاتمی برای نخستین‌بار در یک نمایش بازی می‌کند؛ اثری که به کارگردانی دوست‌دیرینه‌اش لیلی رشیدی، روی صحنه می‌رود و طبعاً دلیل اینکه حضور حاتمی در این نمایش چه بوده، کنج‌کاوی براکنیز است. لیلا حاتمی هم در نشست خبری‌ای که در کافه گالری ایرانشهر برگزار شده بود، به این پرسش پاسخ داد. «حضور در نمایش «اسم» برای لیلی و به نام لیلی بود. در حقیقت قصد داشتیم در دنیای لیلی شریک باشیم. هیچ‌وقت جزء آن دسته از بازیگرانی نبوده‌ام که خود را دور از تاتار ببینم و بگویم تاتار هرگز! اصولاً لفظ «هرگز» در زندگی‌ام کم دارم، به‌همین دلیل این‌طور نبوده که اصلاً



لیلا حاتمی

به بازی در تاتار فکر نکرده باشم». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش در پاسخ به این پرسش که مدت‌هاست درباره حضور چهره‌های سینمایی در تاتار صحبت می‌کنند و به گمان برخی حضور این چهره‌ها باعث رونق تاتار می‌شود و نظرش در این باره چیست؟ گفت: «اساساً نمی‌دانم این حرف که تاتار به سینما برتری دارد از کجا آمده است؟ نمی‌خواهم به گروهی خاص اهانت کنم، فقط معتقدم که سینما با فاصله خیلی زیادی جلوتر از تاتار قرار دارد و تازه هم به این موضوع نرسیده‌ام و از پنج‌سالگی چنین نظری داشتم. حتی در این‌باره خیلی با لیلی بحث می‌کردیم و به‌همین‌دلیل است که خواستم با حضور در این نمایش در دنیای لیلی شریک شوم». در ادامه این نشست، لیلی رشیدی، کارگردان این نمایش، هم درباره اجرای نمایش «اسم» که دومین تجربه کارگردانی او محسوب می‌شود، گفت: «این نمایش از پنجشنبه هفته آینده ساعت ۱۱ شب اجرا می‌شود. دلیل اینکه این نمایش‌نامه را انتخاب کردم هم این بود که وقتی متن را خواندم، به نظرم رسید شیرینی‌هایی دارد که قابل‌اجراست

مجوز دوباره پرواز همای صادر شد

کنسرت او بار دیگر صادر شده است. در متنی که این خواننده در اختیار روزنامه قرار داده، آمده است: «سر ارادت ما و آستان حضرت دوست/ که هرچه بر سر ما می‌رود ارادتِ اوست/ مژدگانی بدهید با خبرهای خوشی آمده‌ام/ از خبر، کوله‌باری دارم... دوستان و هواداران موسیقی همای، استقبال عاشقانه شما از کنسرت و حمایت مسئولان، آن‌قدر برایم ارزشمند و پربهاست که شادکردن دل‌های شما را به قیمت جان خریدارم. مفتخرم که دوباره پیام‌آور شادی باشم».

این خواننده در مورد مراسلی که برای کسب مجوز دوباره طی کرده، عنوان کرده است: «پس از مراجعه به مقامات محترم قضائی در دادسرای فرهنگ و رسانه و دریافت رهنمودهای لازم و اثرگذار، سو-تفاهم‌ها برطرف شد و افتخار دارم از این پس در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران خدمت‌گزار فرهنگ و هنر کشورم باشم. لحظه دیدار نزدیک است».

همای البته پیش از آنکه کنسرتش لغو شود، مورد انتقاد برخی از گروه‌ها قرار گرفته بود. وی ۱۹ خرداد در یادداشتی در پاسخ به این اظهارنظرها که او را به جریان‌هایی نسبت داده بودند، خود را فرزند انقلاب دانسته و گفته بود: «اگر من در گذشته اشتباهی داشته‌ام، پذیرفته‌ام و آمده‌ام که جبران کنم. صبور باشید. امروز و آینده‌ام را ببینید و سپس تصمیم بگیرید. نمی‌دانم این‌همه اصرار برای تخریب من از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ من پاسخ اعتماد نظام را، پاسخ محبت مردم را و پاسخ انتقاد اهالی موسیقی و منتقدان را فقط روی صحنه می‌توانم بدهم، چرا این فرصت را نداشته باشم؟ ناخچ به من تهمت ضدانقلاب می‌زنید؟ من فرزند این انقلاب هستم و تا زنده‌ام، وفادار به این سرزمین خواهم ماند».

مسئولان خطاب به خانواده استاد شریف‌زاده:

سنش بالا است، بیمه نمی‌شود

شرق: ابراهیم شریف‌زاده، خواننده پرآوازه شرق خراسان، در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان تربت‌جام بستری شد. شریف‌زاده که بیش از دو سال است تنها یار دیرین خود، غلامحسین سمندری را از دست داده، چندروزی است که در بیمارستان بستری شده. او که اکنون حدود ۸۰ سال دارد، پس از اجرای یک برنامه کوتاه در دومین فستیوال آینده‌ار، به علت افت سطح هوشیاری راهی بیمارستان شد و پس از دو روز به بخش مراقبت‌های ویژه (آی‌سی‌یو) منتقل شد. این استاد آواز که در تمام عمر در شهر باخرز زندگی کرده، مدتی است از بیماری‌های مختلفی رنج می‌برد، اما بدون پوشش بیمه، شخصاً و تنها با همراهی و کمک دخترش که در باخرز زندگی می‌کند، در پی مداوای رنج ناشی از بیماری است. مسئولان ارشاد منطقه نیز در پاسخ به درخواست‌های مکرر این استاد و دخترش تنها به این جمله اکتفا کرده‌اند که چون ایشان سن بالایی دارد نمی‌تواند از پوشش بیمه هنرمندان بهره‌مند شود و این نوع بیمه شامل ایشان نمی‌شود و بیمه تنها به هنرمندان جوان اختصاص دارد.

زهره شریف‌زاده، دختر ابراهیم شریف‌زاده، در پاسخ به خبرنگار «شرق» درباره وضعیت پدرش گفت: پدر من که امروز در بیمارستان بستری است، نه بیمه و نه درآمدی دارد و در تمام سال‌های گذشته هیچ مسئولی کاری برای پدرم نکرده است. وی درباره بیماری استاد شریف‌زاده گفت: روز اول به من گفتند سطح هوشیاری او پایین است و مشکل دیگری ندارد و باید چندروزی زیرنظر بماند ولی امروز به ما گفتند ایشان سکنه کرده‌اند و باید در بخش آی‌سی‌یو بستری بمانند. ولی من مشکوک هستم که اگر پدرم سکنه کرده یا هر مشکلی دارد، چرا به ایشان فقط مورفین تزریق می‌کنند! اما فکر نمی‌کنم پدرم با تزریق مورفین خوب شود و به نظر به علت تزریق این‌همه مورفین است که هنیان می‌گوید. فرزند استاد شریف‌زاده درباره وضعیت بیمه پدرش گفت: «هربار درخصوص بیمه هنرمندان ایشان پیگیری کردم، هیچ سازمان با اداره‌های بهمانی نکرد و تنها جوابی که دادند این بود که سن بالای ایشان مانع از این است که بشود ایشان را بیمه کرد. سؤال ما این است که پدر ما از ابتدا که سنش بالا نبوده! چرا باید ایشان یا هنرمندان

آخرین فیلم سینایی به نمایش در آمد

عوامل «جزیره رنگین» روی فرش قرمز سینماتک

هرمز آموختم و همه ما در سرزمینمان به آن نیاز داریم این است که اگر هرکدام از ما آستین همت بالا بزنیم و آنچه در توانمان است را انجام دهیم، وضعیت زندگی ما بسیار دگرگون می‌شود. در ادامه، حمید فرخ‌زاد روی سن رفت و گفت: افتخار می‌کنم سینما را از طریق کسی شناختم که سینما را زندگی می‌کند، نه مثل نسل ما که نقشی درجه‌دو به هنر و سینما داده‌ایم. خوشحالم که خسرو سینایی دوباره فیلم ساخته است و هنوز مصمم به کارش ادامه می‌دهد. شاید بتوانیم تکنیک را با مطالعه و تمرین یاد بگیریم، ولی نوع نگاه به مقوله هنر به شخصیت آدم‌ها برمی‌گردد و اگر آن را از امثال سینایی یاد بگیریم، می‌توانیم به موفقیت سینما امیدوار شویم. به جامعه سینمایی تبریک می‌گویم که سینایی را با فیلم جدیدش می‌بینیم و اینکه کمکان می‌توانیم از او یاد بگیریم.

آقای شهر واین‌همه خوش‌ذوق و اهل دل



علی مفار‌های

• ابراهیم، مردی پیچیده و گزنده، اما کودک‌وار است. بزرگ آواز باخرز. کسی که با نواهای بسیاری، آشنایی دارد، اما در این روزگار تنها به موسیقی آیینی در مسجد و منبر می‌پردازد. از اهمیت او در خوانندگی هرچه بگویم، باز به اندازه نگفته‌ام. سینه ابراهیم شریف‌زاده آکنده است از نواهای کم‌شنده درمان منطقه. او در شهر باخرز به آخوند معروف است. شریف‌زاده اگر چه می‌گوید دچار ضعف حافظه و فراموشی شده است، اما گنجی از سبک‌های مختلف خوانندگی در منطقه باخرز، تایید و تربت‌جام است. شناخت مستقیم و بی‌واسطه من از ابراهیم شریف‌زاده به همین چندسال اخیر مربوط است، اما در همین مدت به نیکی دریافت‌کم که توان او در پرداختن به مقام‌های آوازی خراسان و به‌خصوص «پادایرگی»‌ها به حدی است که شاید بتوان او را از مهم‌ترین منابع زنده حال‌حاضر در شرق خراسان برشمرد. می‌دانستم که در همین چندسال، موقعیت و منزلت اجتماعی خاصی که ناشی از نوحه‌خوانی و مداحی در مسجد و پرداختن به برنامه‌های مذهبی است، پرده‌ای میان او و موسیقی می‌کشید که امکان ورود به پس پرده را کم می‌کرد، اما او کوهگاه ما را به حریم خصوصی و کاملاً شخصی خود راه می‌داد ولی در همان لحظات رفتار و روحیاتش به‌گونه‌ای بود که هم‌زمان با لذت حضور، توان تجزیه و تحلیل درست رفتارش را از من می‌ربود. درک ذات فردی و شخصیتی او زمانی برایم ایجاد شد که با بیشتر نزدیک‌شدن به او به این باور رسیدم که انگار ابراهیم شریف‌زاده از اندیشه «لاماتیان» تبعیت می‌کند. او با اجازه ورود به حریم شخصی را به هیچ‌کسی نمی‌دهد یا اگر هم اجازه دهد، به شیوه‌های بسیار نزدیک به اندیشه و فلسفه لاماتیان موقعیت را به ضد خود بدل می‌کند و حاصل هرچه که باشد، چیزی مشخص و چشمگیر برای عرضه و ارائه نیست. او در کمال خونسردی کاری با تو می‌کند که به سبب رنجش و نارضایتی از روند موقعیت و مناسبات موجود، نتوانی در همان زمان کوتاه مواجهه، کیفیت مطلوب دیدار و دوستی و هرآنچه در دل داری را به دست بیآوری چراکه شاید خواست اکنون او دیگر معرفی یا حتی قدیس‌سازی از او نیست. او انگار در مرز باریکی میان تارک‌دنیابودن و مردی مذهبی و روشنفکر و صاحب دانش کلام بودن، سیر می‌کند و در همان مرز است که تو را وادار می‌کند بپذیری آنچه را که او امروزه طلب دارد همانا «هیج» است. هیچی برآمده از فلسفه نیستی و هستی خیام!

بنگر ز جهان چه طرف بر بستم؟ هیچ وز حاصل عمر چیست در دستم؟ هیچ شمع طربم ولی چو بنشستم، هیچ من جام‌جمم ولی چو بشکستم، هیچ شریف‌زاده زندانه، بهلول‌وارزیستن را در پیش گرفته است. تلخ است و گزنده. تندگفتن و تیزبودن اما، در رفتار او خود شیرینی دیگری دارد که با بسیار درکنارش‌بودن است که می‌توان به درک کافی از عظمت گوهر وجودش رسید. بسیار نازک و شکننده است. اگر زمانی بخواهسی قطعه آوازی را برای ضبطی سالم‌تر تکرار کنی، این کار در هیچ نوبت آن‌گونه که باید و لازم است انجام نمی‌شود. در اصل انجام نمی‌دهد و دست‌آنز نیز کاری به دست می‌دهد که تنها می‌توان به آرشبوش سپرد! آقای شهر، رنجور زمانه و زندگی، در تنهایی خویش می‌سوزد و بر بدون خوش آتش می‌زند. او می‌سوزد و می‌سوزاند و آرام‌آرام دود می‌کند خود را! تا باز چه هنگام «ققنوس»‌وار از آتش خویش، زایشی نو‌کنند تا دیگر بار آتشی نو بر خرمن موسیقی دیارش درکشد. امروز ابراهیم در آتش است و این هیمة در دامن موسیقی است! او امروز در بسستر بیماری است و به مدد مُسکن‌های بسیار، آرام است. درمان او مرهمی بر موسیقی نواحی خواهد بود، اما ابراهیم‌ها همواره در آتشند و ما فارغ از این آتش. اینک موسیقی است که از میانمان می‌رود. اگر ابراهیم برایمان مهم نیست، موسیقی را مهم نشمریدیم. و اگر موسیقی نواحی ایران را پاس می‌داریم، ابراهیم را باید دریابیم.

♦ تیتربزرگفته از شعر «خون پاش و نغمه ریژ» از مهدی اخوان‌ثالث

